

## جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)

جنبش مقاومت اسلامی حماس در سال ۱۹۸۷ توسط [شیخ احمد یاسین](#) پایه گذاری شد. ایدئولوژی حماس ریشه در [اخوان المسلمین مصر](#) دارد. در سال ۱۹۷۳، یاسین ابتدا «الجماعه الاسلامی» را برای همکاری با فعالیت های سیاسی اخوان المسلمین در غزه پی ریزی کرد. وی سپس جنبش حماس را به عنوان بازوی سیاسی و منطقه ای اخوان المسلمین در دسامبر ۱۹۸۷ به دنبال آغاز انتفاضه اول در سرزمین های اشغالی بنیان نهاد. عمده شهرت حماس بیشتر به دلیل انجام حملات شهادت طلبانه علیه اهداف و نیروهای اسرائیلی است. این جنبش ابتدا دنباله رو مدل اخوان المسلمین بود به این معنا که به عنوان یک «نهاد رفاه اجتماعی» عمل می کرد هر چند در حال حاضر، هم چنان به فعالیت های رفاهی و اجتماعی خود ادامه می دهد، اما با وارد شدن به فاز مسلحانه بیشتر فعالیت خود را در حوزه مبارزه با اسرائیل متمرکز ساخته است. حماس، ستیز اعراب- اسرائیل را به مثابه ستیز اسلام و یهودیت تلقی می کند که تنها با نابودی اسرائیل می توان این مسأله را حل و فصل کرد .

### نگرش ها، باورها

برخی بر این باورند که دو نگرش حماس «ناسیونالیسم فلسطینی» و «بنیادگرایی اسلامی» درهم آمیخته است. این گروه خود را به «نابودی اسرائیل»، «هویت صهیونیستی» و «جایگزینی حکومت خودگردان فلسطین با یک دولت اسلامی» و «افراشتن بیرق الله در وجه به وجب خاک فلسطین» متعهد می داند. این جنبش فلسطین را سرزمین اسلامی می داند که از سوی غیرمسلمانان به اشغال درآمده است. حماس، «جهاد» را تنها راه حل مسأله فلسطین و خارج ساختن فلسطین از کنترل اسرائیل را وظیفه مذهبی تمام مسلمانان می داند. حماس، برخلاف سازمان آزادی بخش فلسطین که در سال ۱۹۸۸ اسرائیل را به رسمیت شناخت، نه تنها مخالف مشروعیت این رژیم است بلکه خواهان نابودی آن و مخالف ماهیت وجودی اسرائیل است. حماس معتقد به تشکیل دولت اسلامی و پیاده ساختن تمام ابعاد اسلامی و تمام جوانب زندگی است. جنبش مقاومت هم چنین علاوه بر این که مقاومت را وظیفه یک یک مسلمین می داند، معتقد به نقش های انقلابی برای تمام افراد جامعه اعم از زن و مرد، معلم و دانشجو و غیره است .

### فعالیت ها و اقدامات رفاهی حماس

از جمله دلایل معروفیت و حسن شهرت حماس در فلسطین اقدامات رفاهی و خدمات اجتماعی است که ارائه می دهد. حماس از بدو تأسیس خود در سال ۱۹۸۷، اقدامات گسترده اجتماعی، سیاسی و حتی نظامی انجام داده است. از جمله آن ها می توان به ساخت مدارس و بیمارستان ها اشاره کرد. بخشی از بودجه سالانه تقریباً ۷۰ میلیون دلاری حماس صرف اقدامات ذیل می شود: بسط شبکه خدمات اجتماعی، اجرای برنامه های آموزشی و رفاهی، تأمین مدارس و یتیم خانه ها و مساجد، کلینیک های بهداشتی، مکان های اطعام فقرا و مکان های ورزشی؛ چنان که یک دانشمند یهودی به نام «روون پاز» معتقد است: «تقریباً ۹۰ درصد کار جنبش مقاومت در فعالیت های اجتماعی، رفاهی، فرهنگی و آموزشی خلاصه می شود». در واقع، با فراهم آوردن این اقدامات و فعالیت هاست که حماس موفق شده تا در میان مردم محبوبیت کسب کرده و وفاداری سیاسی مردم را به دست آورد. این جنبش هم چنین کمک های مالی و بورسیه به دانشجویانی می دهد که خواهان ادامه تحصیل در عربستان یا غرب هستند. افزون بر این، حماس خدمات بهداشتی و درمانی پزشکی ارزان یا رایگان را به مردم ارائه می دهد .

این گروه هم چنین مؤسسه های خیریه اسلامی، کتابخانه ها و مراکز آموزش برای زنان می سازد. ضمن این که توانسته در زمینه ساخت کودکستان ها و شیرخوارگاه ها فعالیت هایی انجام داده و مدارس مذهبی ای را تأسیس کند که غذای رایگان به کودکان می دهد. از نظر استراتژی مبارزه، جنبش حماس معتقد است که بهترین شیوه و راهکار برای پیشبرد درگیری و کشمکش با دشمن صهیونیستی بسیج توانمندی های ملت فلسطین برای برافراشتن پرچم جهاد و مبارزه برضد حضور نامشروع صهیونیستی در فلسطین به هر وسیله ممکن است و این که تا زمان تکمیل شدن شرایط تعیین سرنوشت نبرد با دشمن صهیونیستی شعله مبارزه روشن بماند. حماس با توجه به قداست فلسطین و جایگاه اسلامی آن معتقد است که تحت هیچ شرایطی نمی توان ذره ای از خاک فلسطین را نادیده انگاشت و یا اشغال آن از سوی صهیونیسم را به رسمیت شناخت و همین مسأله یکی از مهم ترین اختلافات این جنبش با تشکیلات خودگردان فلسطین است. فعالیت نظامی یکی از ابزارهای راهبردی جنبش حماس در رویارویی و مقابله با پروژه صهیونیستی محسوب می شود. این ابزار با توجه به نبود طرح جامع عربی، اسلامی برای آزادسازی و رهایی فلسطین بسیار اهمیت دارد و راهکاری بنیادین برای جلوگیری از تلاش های مذبوحانه اسرائیل به حساب می آید. فعالیت نظامی هم چنین به مثابه ابزاری بازدارنده برای بازداشتن صهیونیست ها از هدف قراردادن امنیت ملی فلسطین است و کارایی خود را به خوبی به اثبات رسانده است.

در همین راستا است که شاخه نظامی جنبش حماس به نام گردان های شهید عزالدین قسام شکل گرفت. فعالیت مبارزاتی گردان های قسام از اواخر دهه ۸۰ یعنی از زمان به اسارت گرفتن دو سرباز صهیونیستی در مارس و مه ۱۹۸۹ شکل گرفت. در این گردان ها اعتقاد بر این است که سرزمین تاریخی فلسطین توسط دشمن صهیونیستی اشغال شده و هیچ فرقی میان اراضی اشغالی ۱۳۴۸ یا ۱۳۶۷ وجود ندارد و صهیونیست های غاصب در هر کجای فلسطین که باشند باید مورد هدف قرار بگیرند. چرا که آنان هیچ گونه حق تاریخی یا قانونی در مورد حضور در این سرزمین مبارک ندارند و باید با هر غاصب برخورد کرد و مقابله یا قتل آن حق قانونی مبارزان حماس است. به اعتقاد مبارزان قسام فلسطین یک سرزمین موقوفه اسلامی است و هیچ احدی حق ندارد که از یک وجب آن چشم پوشد و اگر هم که امت اسلام در ضعف و سستی به سر ببرد مبارزان باید با فعالیت های مبارزاتی خود سرزمین شان را از لوٹ وجود اشغالگران پاک سازند و ملت فلسطین را به سرزمین مادری شان بازگردانند. به رغم اندک بودن مجموعه سلاح هایی که مبارزان قسام در جهت مقابله با دشمن صهیونیستی در اختیار دارند. ولی به واسطه تلاش های شبانه روزی آنان، تجهیزات نظامی این گردان ها روز به روز در حال پیشرفت است و دستیابی به موشک ضدتانک که حجم مواد منفجره آن کمتر از ۳۵ کیلوگرم است دلیلی بر این تلاش ها است.

## جنبش فتح

فتح با نام کامل جنبش آزادی بخش میهنی فلسطین یکی از مهم ترین سازمان های سیاسی و نظامی فلسطینی است که در سال ۱۹۵۹ توسط «یاسر عرفات» و «خلیل الوزیر» (ابوجهاد) با هدف آزادی فلسطین از سیطره رژیم اشغالگر اسرائیل از طریق مبارزات چریکی بنیان گذاری شد. فتح مهم ترین و بزرگ ترین گروه در کنفدراسیون احزاب فلسطینی موسوم به سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) است و رویکردی ناسیونالیستی و تا حدی سوسیالیستی دارد. پس از مرگ عرفات در سال ۲۰۰۴ محمود عباس جانشین او در سمت رهبری این سازمان شد، عباس ریاست تشکیلات خودگردان فلسطین را نیز به عهده گرفت. انتخابات ژانویه سال ۲۰۰۶ مجلس قانونگذاری فلسطین برای اولین بار اکثر کرسی های این مجلس را از دست فتح خارج کرد و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) را حزب حاکم پارلمان و تشکیل دهنده کابینه ساخت.

ایده بنیادین جنبش فتح که فلسطینیان بایستی خودشان امر آزادسازی سرزمین های فلسطین نشین را به دست گیرند به میانه دهه ۱۹۵۰ باز می گردد. این تفکر نخست در میان مهاجران فلسطینی ساکن کشورهای منطقه خلیج فارس، آوارگان فلسطینی مقیم نوار غزه و دانشجویان فلسطینی در قاهره و بیروت شکل گرفت. ایدئولوژی این سازمان مبنی بر آزادسازی فلسطین توسط مردم فلسطین در مقابل تبلیغات ناسیونالیسم عربی آن هنگام به رهبری جمال عبدالناصر قرار داشت که بر اتحاد جهان عرب برای نیل به این هدف تاکید می کرد. عرفات و یارانش فتح را در قاهره شکل داده و در کویت ادامه دادند. آن ها در سال ۱۹۶۳ یک ساختار تکاوری منظم را در کرانه باختری رود اردن ایجاد کردند و در دسامبر ۱۹۶۴ نخستین عملیات نظامی خود را با انفجار یک کارخانه تصفیه آب در اسرائیل به انجام رساندند. چریک های فتح مهم ترین هدف نیروهای اسرائیلی در تهاجم ۲۱ مارس ۱۹۶۸ به روستای کرامه در اردن بودند. در این نبرد حدود ۳۰ سرباز اسرائیلی، ۱۰۰ تا ۲۰۰ چریک عضو سازمان آزادی بخش فلسطین و ۴۰ تا ۸۰ سرباز اردنی کشته شدند و درگیری با عقب نشینی سریع نیروهای اسرائیلی خاتمه یافت. به همین دلیل از این نبرد در جهان عرب به عنوان یک پیروزی درخشان یاد می شود که پس از شکست سنگین اعراب در جنگ شش روزه ارزشی مضاعف پیدا کرد.

با وجود تلفات بیشتر اعراب، سازمان آزادی بخش فلسطین که فتح بزرگ ترین و مهم ترین گروه عضو آن بود خود را فاتح نبرد کرامه می دانست چرا که قوای اسرائیل به سرعت از منطقه عقب نشینی کردند. به این ترتیب نبرد کرامه تبدیل به یک پیروزی اسطوره ای برای فلسطینیان شد که ادعاهای ملی آنان را تثبیت می کرد. این نبرد برخلاف انتظار رژیم اسرائیل نه تنها فتح را تضعیف نکرد بلکه قدرت مضاعفی به آن بخشید و توجه بین المللی را به مسأله فلسطین برانگیخت. به ادعای مقامات فتح فقط در ۴۸ ساعت اول پس از پایان جنگ ۵۰۰۰ فلسطینی تقاضای عضویت در این سازمان را دادند. نبرد کرامه در ابتدا موجب اتحاد پادشاهی هاشمی اردن و فلسطینیان شد اما خیلی زود با قدرت گرفتن چریک های فلسطینی در این سرزمین به درگیری خونین دولت اردن و فتح در سپتامبر ۱۹۷۰ انجامید. از سال ۱۹۶۹ بیشتر عملیات نظامی فلسطینیان علیه نظامیان رژیم صهیونیستی از داخل خاک اردن آغاز می شد، اما با پذیرش قطعنامه ۲۴۲ از سوی شاه حسین پادشاه اردن مبنی بر برقراری صلح پایدار در منطقه که در آن همه کشورها دارای حق حیات باشند و دادن چراغ سبز اردن به رژیم صهیونیستی برای کشتیرانی در خلیج عقبه و دیگر امتیازها روابط فلسطینی ها با اردن تیره شد و همین مسأله باعث شد که ارتش اردن در چهارم سپتامبر ۱۹۷۰ مقر کمیته مرکزی سازمان آزادی بخش فلسطین را مورد حمله نظامی قرار داد.

از سوی دیگر، ارتش دلیل این حمله را سوء قصد به شاه حسین در روز اول سپتامبر اعلام کرد. بعد از این تاریخ اوضاع وخیم تر شد و دولت اردن در روز ۱۶ سپتامبر همان سال با تشکیل یک کابینه نظامی عملاً به ساف اعلان جنگ کرد. در همین وضعیت ۳۰ تا ۴۰ هزار چریک فلسطینی تحت فرماندهی یاسر عرفات، آرایش نظامی به خود گرفتند و سرانجام در سال ۱۹۷۰ ارتش اردن با حمله همه جانبه به مراکز تجمع چریک های فلسطینی در اردن طی ۱۰ روز به کشتار فلسطینیان پرداخت. پادشاه اردن پس از این کشتار دستور اخراج تمام اعضای فتح و سازمان آزادی بخش فلسطین از کشور اردن را صادر کرد و ارتش اردن آن ها را به زور داخل خاک سوریه روانه ساخت. این واقعه به «سپتامبر سیاه» معروف شد چرا که تلفات و خسارات عظیمی بر فلسطینیان وارد آمد. پس از این واقعه یک گروه نظامی افراطی به نام «گروه سپتامبر سیاه» در فتح ایجاد شد، این گروه مدتی بعد با کشتن ۱۱ ورزشکار اسرائیلی در المپیک مونیخ توجه جهانیان را به خود جلب کرد. سوریه با وارد شدن فلسطینی ها به خاک خود آن ها را به لبنان فرستاد و اعضای فتح در جنوب لبنان مستقر شدند و ساختار خود را دوباره شکل دادند. سیر نزولی فتح پس از مرگ یاسر عرفات رهبر تاریخی فلسطینیان در سال ۲۰۰۴ سرعت یافت و با پیروزی حماس در انتخابات سال ۲۰۰۶ این روند هم چنان ادامه پیدا کرد، حماس فتح را در سال ۲۰۰۷ از غزه بیرون

راند و قدرت فتح از آن زمان فقط به کرانه باختری رود اردن محدود شده است. بسیاری از فلسطینیان، فتح را مسئول فساد و بی نظمی حاکم بر سرزمین های فلسطینی می دانستند به همین دلیل در انتخابات به این جنبش رأی ندادند. عباس نیز که پس از عرفات رهبری این جنبش را برعهده گرفته است به این مسأله اذعان کرده که مرتکب اشتباهاتی شده که به شکست در برابر حماس منجر شده است. وی از اعضای جنبش خود خواسته که برای تقویت این جنبش از حماس درس بگیرند .

در روز شنبه ۱۷ مرداد سال جاری نیز نخستین کنگره فتح پس از ۲۰ سال تشکیل جلسه داد و شرکت کنندگان در ششمین کنفرانس فتح در بیت لحم دوباره محمود عباس را به عنوان ریاست تشکیلات خودگردان انتخاب کردند. با این که شمار زیادی از نمایندگان شرکت کننده در این کنگره عباس را مسئول شکست های این جنبش عنوان کردند اما به گفته آنان در شرایط کنونی فقط انتخاب دوباره عباس امکان پذیر است چرا که دیگر رهبران فعلی ممکن است جای خود را به نسل های جدیدتر واگذار کنند. عباس پس از اعلام انتخاب به ریاست فتح متعهد شد تا سرزمین های اشغالی فلسطین را آزاد کند و کشور فلسطین را تشکیل دهد ولی تاکنون گام های عملی و مؤثری برای ادعاهای خود برداشته و همین مسأله علت اصلی مخالفت جنبش حماس با وی شده است. حماس محمود عباس و کابینه او را غیرقانونی می داند و معتقد است کسانی که همدست رژیم صهیونیستی در اعمال جنایت علیه ملت فلسطین هستند. نمی توانند نماینده واقعی مردم فلسطین باشند، به همین دلیل عباس و نیروهای امنیتی تشکیلات خودگردان دائما در حال دستگیری و زندانی کردن حماس و طرفداران این جنبش هستند. تشکیلات خودگردان فلسطین به رهبری عباس تا آن جا پیش رفته که رژیم صهیونیستی وظیفه خود را در سرکوب اعضای حماس به این ساختار فلسطین سپرده است. آمریکا نیز در همدستی با رژیم صهیونیستی اعلام کرده که تا زمانی که تشکیلات خودگردان و محمود عباس کنترل کرانه باختری را برعهده دارند خیال ما از این منطقه راحت است و باید تمام توجه ها به غزه و حماس باشد. در هر صورت جنبش حماس اعلام کرده که تا زمانی که تشکیلات دست از بازداشت، شکنجه و زندانی کردن اعضای حماس بر ندارد هیچ گونه همکاری و هماهنگی با این جنبش وجود ندارد .

## جهاد اسلامی فلسطین

جهاد اسلامی فلسطین در اواخر دهه ۱۹۷۰ توسط سه دانشجوی فلسطینی در مصر لینی **فتحی شقاقی**، عبدالعزیز عوده و بشیر موسی به عنوان بخشی از جهاد اسلامی مصر تشکیل شد. این جنبش پس از مدتی از جهاد اسلامی مصر مستقل شد و **مبارزه مسلحانه را یک استراتژی سیاسی** برای نابودی کامل حکومت صهیونیستی، برپایی حکومت اسلامی در فلسطین و اجرای قوانین اسلامی در جامعه اتخاذ کرد. مبارزان شاخه نظامی این سازمان (**گردان های قدس**) با جنگ های چریکی و گروه های ضربتی و انجام عملیات استشهادی حملات بسیاری را علیه اسرائیل به اجرا درآوردند و صدها نفر از نظامیان صهیونیستی را به هلاکت رساندند. یکی از علل اصلی حمله اسرائیل به غزه در دسامبر ۲۰۰۸ همین عملیات نظامی گردان های قدس و گردان های قسام بوده است. شلیک موشک های قدس به شهرک های اسرائیلی نیز از مهم ترین عملیات نظامی این جنبش بوده که به همراه موشک های حماس، سران رژیم صهیونیستی را به ستوه آورده بودند. یکی دیگر از مهم ترین عملیات جهاد اسلامی پس از آغاز انتفاضه الاقصی حمله به یک اتوبوس اسرائیلی در ژوئن ۲۰۰۲ بود که بسیاری از صهیونیست ها را به هلاکت رساند و زخمی کرد .

در میان گروه های فلسطینی، جهاد اسلامی بیشترین نزدیکی را با حماس دارد و از نظر اهداف و عقاید اشتراکات زیادی با هم دارند. هر دو جنبش مسلمان هستند و موجودیت رژیم اشغالگر قدس را به رسمیت نمی شناسند و برای نابودی این رژیم مبارزه می کنند. عملیات

نظامی مشترکی را علیه اسرائیل به انجام رسانده اند، هر دو در جریان جنبش اخوان المسلمین مصر شکل گرفته و سپس از آن منشعب شده اند. هر دو مخالف سرسخت موافقتنامه های اسلو هستند و اعتقادی به مذاکرات صلح ندارند. جهاد اسلامی نیز هم چون حماس معتقد است که تشکیلات خودگردان فلسطینی قانونی نیست و ریاست عباس به این تشکیلات جنبه قانونی ندارد و باید هر چه زودتر این تشکیلات برچیده شود. جنبش جهاد اسلامی هرگونه سازش اعراب با رژیم اشغالگر را محکوم می کند و مانند حماس معتقد است هیچ راهی برای حل و فصل مسأله فلسطین جز نابودی اسرائیل وجود ندارد. فتحی شقاقی رهبر این جنبش در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۵ در مالت توسط ماموران موساد به شهادت رسید و پس از آن رمضان عبدالله مسئولیت هدایت این سازمان را برعهده گرفت .

مواضع و دیدگاه های رهبران جنبش جهاد اسلامی نسبت به انقلاب اسلامی، مثبت بوده تا جایی که زیاد ابو عمرو می نویسد: جهاد اسلامی به عنوان فرزند انقلاب اسلامی ایران در فلسطین به رهبری شیخ عبدالکریم عوده و با همکاری شهید دکتر فتحی شقاقی که تا سال ۱۹۸۸ در سیاه چالهای اسرائیل زندان بود به عنوان رهبر شاخه های نظامی جهاد تأسیس شد و فتحی شقاقی در سال ۱۹۷۹ با تألیف کتابی تحت عنوان، «خمینی راه حل و جایگزین اسلامی» نظرات سیاسی و ایدئولوژیک خود و جهاد اسلامی را بیان نمود.

انقلاب اسلامی در زمینه های تئوری و عملی برای جنبش جهاد اسلامی از همان ابتدا منبع فکر و الهام بوده است. به نوشته فتحی شقاقی از نظر بنیان گذاران الجهاد، امام خمینی نه فقط سمبل و الهام بخش و رهبر انقلاب اسلامی ایران است، بلکه در همه جا این مشخصات را دارد.

## سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف)

ساف که مخفف سازمان آزادی بخش فلسطین است، در سال ۱۹۶۴ بوسیله سران عرب در کنفرانس اتحادیه عرب بوجود آمد. یک سال قبل سران کشورهای نامبرده در چنین کنفرانسی تصمیم گرفتند تا گروهی را که نماینده انجام مردم فلسطین باشد و تحت نظارت رسمی اعراب فعالیت کند، بوجود آورند. اعراب که ترس داشتند با ناکامی بین المللی مواجه گردند و از صحنه بازی خاورمیانه خارج شوند، به فکر بسط و توسعه نفوذ سیاسی خود بر گروه های فلسطینی افتادند تا از این رویکرد به دو هدف عمده دست یابند:

۱. داشتن بازیگری در پشت صحنه نبرد خاورمیانه که کنترل پیشروی و عقب نشینی گروه تحت نظارت را همیشه در دست داشته باشند، و تامین کننده منافع نوعی آن ها باشد.

۲. رهایی همیشگی از پدید آمدن حزب و گروه مستقل فلسطینی که با منافع و خواسته های سران عرب هم خوانی و یا تضاد داشته باشد و در شرایط خاص تحت فشار قرار دهد، یا آنان را به دنبال سیاست های خودش خواسته یا ناخواسته بکشد.

رهبری ساف را طی سال های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۹ «احمد شقیری» و «یحیی عوده» به عهده داشتند. از سال ۱۹۶۹ تا ۱۹۷۴ مرحله دیگری در تاریخ «ساف» به چشم می خورد که در آن نخبگان فلسطینی پس از شکست ارتش های عربی در سال های ۱۹۴۸ و ۱۹۵۶ و ۱۹۶۷ از رژیم اسرائیل، عزم استقلال کردند و رهبری ساف را پذیرفتند. حتی از گفتگوهای جمال عبدالناصر و وزیر خارجه آمریکا انتقاد کردند و از چنین رفتاری نسبت به سرنوشت خودشان به شدت ابراز ناراحتی کردند آن زمان سیاست جدید اعراب این بود که به هر قیمتی شده خواسته های خود را که ناشی از راضی کردن غرب است، بر فلسطینیان تحمیل کنند، در این سال یعنی ۱۹۷۴ ساف که به استقلال نسبی دست پیدا کرده بود در سازمان ملل شناسایی شد و به عنوان ناظر در سازمان ملل متحد پذیرفته شد .

این رسمیت بین المللی به ساف وجهه و اعتباری خاص بخشید که مشارکت فعال نخبگان فلسطینی و شناسایی رسمی از جانب دیگر کشورها را در پی داشت. از آن پس «ساف» سفیران و کارداران و دیپلمات‌هایی به کشورهای دیگر فرستاد و بر روابط دیپلماتیک خود عمق و وسعت قابل توجهی بخشید. سران عرب نیز در اکتبر ۱۹۷۴ تنها «ساف» را نماینده قانونی و مشروع مردم فلسطین به رسمیت شناختند و اختیار تاسیس حاکمیت فلسطین را به او و گذار کردند. یک ماه بعد عرفات در نوامبر ۱۹۷۴ به عنوان نماینده مردم فلسطین در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی کرد. وی که در یک دست تفنگ و در دست دیگر شاخه زیتون را گرفته بود از حاضرین خواست که شاخه زیتون که سمبل صلح است، بر زمین نیفتد. این نقش ویژه «ساف» و اهمیت بین المللی وی مرهون تلاش‌های استقلال طلبانه گروه‌های فلسطینی بود که بعدها به دست فراموشی سپرده شد.

## وضعیت کنونی ساف

سازمان آزادی بخش فلسطین که اینک بیشتر به یک سازمان تشریفاتی تبدیل شده است متشکل از ۱۳ گروه فلسطینی از جمله جنبش فتح است. جنبش‌های جهاد اسلامی و مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) زیر مجموعه این سازمان نمی‌باشند. اخیراً در خواست‌هایی برای عضویت حماس و جهاد اسلامی در ساف مطرح شد که این دو جنبش ابتدا خواستار بازنگری کامل در ساختار ساف و سپس در صورت صلاح دید عضویت در آن شدند. در حال حاضر موضوع تعیین سفرای فلسطین در کشورهای خارجی برعهده ساف است که ریاست آن را نیز ابومازن پس از فوت عرفات برعهده گرفته است. این سازمان دارای پارلمانی است که به مجلس ملی فلسطین مشهور است. پس از شکل‌گیری حکومت تشکیلات خودگردان فلسطین در سال ۱۹۹۵ و تشکیل مجلس قانونگذاری این تشکیلات ساف و مجلس ملی اش عملاً کارایی خود را از دست داده است و نزدیک به ۱۴ سال است که هنوز نشست این مجلس شکل نگرفته است.

اخیراً ابومازن پس از برگزاری کنگره سراسری فتح که پس از گذشت ۲۰ سال صورت گرفت اعلام کرده است که قصد دارد مجلس ملی فلسطین را نیز برگزار کند. ساف خود را نماینده همه فلسطینی‌ها داخل و خارج می‌داند. رییس دایره سیاسی این سازمان فاروق قدومی (ابولطف) بوده که از شخصیت‌های قدیمی فتح است. تقریباً تمامی اعضای سازمان ساف در حوزه اداری و اجرایی آن را اعضای فتح تشکیل می‌دهند. در دوران یاسر عرفات وی هم رییس ساف بود و هم رییس فتح. ابومازن نیز می‌کوشد به نوعی همین مناصب را داشته باشد. مسأله بازگشت آوارگان فلسطینی، مسأله اسیران، به رسمیت شناختن اسرائیل باعث شده که این سازمان نتواند به جایگاه مردمی در فلسطین دست یابد و از محمود عباس نیز همانند عرفات در میان مردم فلسطین پشتیبانی نمی‌شود. هر چند که تشکیلات خودگردان فلسطین با بسیاری از کشورهای جهان روابط دیپلماتیک دارد و حق شرکت در مجامع بین المللی البته بدون حق رأی به آن داده شده است ولی مردم فلسطین این تشکیلات و محمود عباس را نماینده واقعی مردم فلسطین نمی‌دانند. انتخابات سال ۲۰۰۷ در نوار غزه که به پیروزی حماس منجر شد جایگاه مردمی حماس را در بین مردم فلسطین به اثبات رساند.

## جبهه مردمی برای آزادی فلسطین

سازمان چپ‌گرای سیاسی و نظامی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین در سال ۱۹۶۷ توسط «جرج حبش» و ابوعلی مصطفی و احمد جبرئیل با هدف آزادی فلسطین از سیطره اسرائیل از طریق مبارزات چریکی بنیان‌گذاری شد. این گروه دومین گروه بزرگ در مجموعه احزاب فلسطینی موسوم به سازمان آزادی بخش فلسطین (ساف) پس از فتح است و مواضع سرسختانه‌ای برای تحقق خواسته

های ملی فلسطینیان اتخاذ کرده و با روش میانه روی فتح مخالف است. این سازمان تا سال ۱۹۹۹ با موافقتنامه های اسلو مخالف بود، اما در این سال طی گفتگوهایی با رهبران ساف مذاکره با اسرائیل را پذیرفت. پس از شهادت ابوعلی مصطفی دبیر کل این سازمان در حمله موشکی اسرائیل به مقر این حزب، شاخه نظامی این سازمان به نام **گردان های ابوعلی مصطفی شکل** گرفت. جبهه مردمی برای آزادی فلسطین دارای دیدگاهی ضدامپریالیستی است و معتقد است اسرائیل که از صهیونیسم جهانی مایه می گیرد امپریالیست است و باید با آن مبارزه کرد. این گروه مسیحی به دلیل این که شکست اعراب از اسرائیل را ناشی از برتری علمی اسرائیل می دانست شعبه های خود را در تعدادی از کشورهای عرب هم چون لیبی، عربستان سعودی و کویت تأسیس کرد، در این شعبات دیدگاه های سوسیالیستی و سکولاریستی تبلیغ می شد .

پس از جنگ شش روزه در ژوئن ۱۹۶۷ جبهه مردمی برای آزادی فلسطین با ادغام دو گروه از جوانان فلسطینی و جبهه آزادی فلسطین به ریاست احمد جبرئیل که افسر نیروی هوایی سوریه بود تشکیل شد و جرج حبش به عنوان رهبر این سازمان برگزیده شد. در ابتدای سال ۱۹۶۷ این سازمان ۳۰۰۰ چریک آموزش دیده داشت مقر این سازمان در سوریه قرار داشت. در سال ۱۹۶۹ جبهه مردمی برای آزادی فلسطین خود را یک سازمان مارکسیست اعلام کرد و درگیری های فلسطینیان را ناشی از خیزش علیه امپریالیسم عربی عنوان کرد که خواستار اتحاد جهان عرب از طریق براندازی دولت های ارتجاعی عرب هستند. جبهه مردمی برای آزادی فلسطین پس از مرگ یاسر عرفات برای معرفی یک کاندیدای چپ گرا برای به عهده گرفتن ریاست دولت فلسطین با جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین و حزب کار فلسطین وارد مذاکره شد. گفتگوها به نتیجه نرسید و سازمان از مصطفی برغونی حمایت کرد . پایگاه اصلی مردمی این سازمان در رام الله، بیت لحم، حومه بیت المقدس شرقی و بخش مسیحی نشین نابلس است .

## جبهه مردمی برای آزادی فلسطین(فرماندهی کل)

این گروه فلسطینی در سال ۱۹۶۸ توسط احمد جبرئیل با انشعاب از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین تأسیس شد. این سازمان در سوریه تشکیل شد و دفتر مرکزی آن در دمشق و پایگاه نظامی آن در جنوب لبنان قرار دارد. تمرکز بر روی فعالیت های نظامی و کاهش فعالیت های سیاسی خواسته اصلی احمد جبرئیل فرمانده شاخه نظامی جبهه مردمی برای آزادی فلسطین بود و همین مسأله باعث اختلاف او با جرج حبش دبیر کل سازمان بود که به انشعاب و ایجاد گروه جدید منجر شد . احمد جبرئیل به همراه طرفدارانش از سازمان خارج شدند و سازمان جدیدی را با افزودن نام فرماندهی کل به اسم سازمان پیشین اتخاذ کردند. این سازمان با هیچ گروه دیگر فلسطینی وارد ائتلاف نشده است لیکن با جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و جهاد اسلامی روابط نزدیکی دارد .

## جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین

جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین در سال ۱۹۶۹ با انشعاب از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین تأسیس شد. دلیل جدایی این گروه از جبهه مردمی برای آزادی فلسطین، اختلاف در مورد اولویت فعالیت سیاسی و ایدئولوژیک نسبت به مبارزه نظامی و عملیات مسلحانه بود. جناح چپ گرای این سازمان در سال ۱۹۶۹ به دلیل این که رویکرد سازمان را بیش از حد نظامی می دانست از گروه جدا و جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین تأسیس شد. این در حالی بود که یک سال پیش احمد جبرئیل فرمانده شاخه نظامی سازمان به دلیل اولویت قرار دادن مسائل نظامی و مبارزات مسلحانه از سازمان خارج و گروهی نظامی را تشکیل داده بود. در ماه مه و ژوئن همین

سال یک سازمان چپ گرای فلسطینی و سازمان آزادی بخش مردمی فلسطین نیز به این گروه پیوستند و جبهه دموکراتیک به سرعت به عنوان یک گروه روشنفکر که وضعیت خاورمیانه را با ایده های مارکسیستی تبیین می کرد شهرت یافت، نظریه پرداز معروف این حزب «یاسر عبدربه» بود. هدف جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین ایجاد یک فلسطین دموکراتیک مردمی است که در آن اعراب و یهودیان بدون نزاع با یکدیگر زندگی کنند و ایجاد کشوری بی طبقه و به دور از تبعیض ملی که اعراب و یهودیان هر دو فرهنگ ملی خود را پاس دارند. اعضای جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین معتقدند که از قدرت گرفتن نیروهای افراطی و درگیری های نظامی در فلسطین باید جلوگیری شود و دیدگاه های افراطی جای خود را به میانه روی دهند. «نایف حواتمه» رهبر این سازمان و بیشتر اعضای شورای مرکزی آن در سوریه زندگی و از این کشور حمایت های مالی نیز دریافت می کنند .

## کمیته های مقاومت مردمی

این کمیته ها مجموعه ای از گروه های شبه نظامی و نظامی فلسطینی در نوار غزه و کرانه باختری رود اردن هستند که در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در پی در گرفتن انتفاضه الاقصی اعلام موجودیت کردند. این گروه های نظامی عملیات متعددی را علیه رژیم صهیونیستی انجام داده و عده زیادی از صهیونیست ها را به هلاکت رسانده اند. بیشتر اعضای کمیته های مقاومت مردمی از جمله بنیانگذاران آن ها در گذشته عضو فتح و گردان های شهدای الاقصی بوده اند .

## جنبش صابرین

این گروه **مقاومت شیعی فلسطینی** دو ماه پیش از تجاوز ۱۲ ژوئن ۲۰۱۴ میلادی رژیم صهیونیستی به نوار غزه یعنی آوریل سال گذشته میلادی به صورت رسمی موجودیت خود را اعلام و تاکید کرد که این جنبش را یک فرد یا افراد خاص تاسیس نکرده اند، بلکه صابرین زابیده تلاش گروه بزرگی از رزمندگان و مجاهدان فرهیخته است که ایمان دارند، مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست فریضه ای واجب است و به همین دلیل مهمترین اصل اعتقادی این جنبش را مقاومت در برابر اشغالگران صهیونیست و آزادسازی سرزمین های اشغالی تشکیل می دهد.

سیاری از رهبران و فرماندهان میدانی جنبش صابرین پیشتر در جنبش «جهاد اسلامی فلسطین» عضویت داشته و در صفوف اول این جنبش قرار داشتند که از جمله آنها باید به «هشام سالم» اشاره کرد که هم اکنون دبیر کلی جنبش صابرین را برعهده دارد و در معرفی این جنبش همواره تاکید کرده است که «صابرین جایگزین هیچ جنبش یا گروهی نیست، بلکه در کنار دیگر جنبش ها و گروه های مقاومت در مسیر سخت و طولانی مبارزه با اشغالگران صهیونیست مکمل دیگر جنبش ها و گروه های مقاومت است.»

جنبش صابرین آنگونه که خود را معرفی می کند، دارای دیدگاه و معتقدات «**جهادی**» است و تاکید می کند که به اصولی همچون وحدت و یکپارچگی امت اسلامی و جهان اسلام، قضیه فلسطین به عنوان مهمترین قضیه جهان اسلام و جهاد در راه خدا ایمان و باور دارد و براین اساس مهمترین اهداف خود را ادای وظیفه شرعی جهاد در راه خدا، آزادسازی سرزمین های اشغالی از چنگ اشغالگران صهیونیستی و نشر اسلام واقعی در سراسر جهان معرفی می کند. این گروه همچون حزب الله آرم خود را از آرم سپاه پاسداران انقلاب



اسلامی وام گرفته و شعار ان الله مع الصابرين را بر روی آرم خود قرار داده است. بارها صابرون اعلام داشته مسئله مذهب هیچ موضوعیتی به آزاد سازی قدس شریف ندارد و این موضوع نباید موجب تفرقه و ایجا فرقه گرایی شود.

فعالیت های جنبش صابرين تنها به عرصه میدان و مبارزه با اشغالگران صهیونیست محدود نمی شود، بلکه این جنبش دارای فعالیت های **تربیتی و آموزشی** نیز می باشد، به گونه ای که فیلم پخش شده توسط این جنبش اردوگاه تابستانی صابرين را به تصویر می کشد که برای فرزندان شهدا برگزار شده بود.

---

<https://telegram.me/yekaz80>

الف.میم.ف

منابع:

احزاب و گروه های فلسطینی از گذشته تا امروز، روزنامه کیهان، ۹ / ۰۶ / ۱۳۸۸، شماره ۱۹۴۵۹

مقاومت فلسطین پس از اشغال، مجید صفاتاج، سفیر اردهال، ۱۳۸۷